

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تبریز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

بررسی گزارش اصلاحی در حقوق ایران

استاد راهنما:

دکتر محمد مولودی

استاد مشاور:

دکتر بیژن حاجی عزیزی

نگارش:

رضا تقی زاده

سال ۱۳۸۸

بشکر و قدردانی:

باجه و سپاس از درگاه ایزدمنان و با توجه به عنایت و لطف پروردگار و در سایه الطاف الهی بدینوسیله با ارائه‌ی این تحقیق از اساتید گرامی، دکتر محمد مولودی و دکتر بشیرن حاجی عزیزی که در این زمینه مرا مساعدت و یاری نمودند و از مادر عزیزم که با تحمل مشقات و مشکلات فراوان مرا در راه رسیدن به بدفتم و تحصیل علم یاری دادند بشکر و سپاسگذاری می‌نمایم.

رضاتقی زاده - بهمن ۱۳۸۸

تقدیم به استاد پدر و مادر:

که وجودم برایشان همه نجات و وجودشان برایم همه مهر

آنانکه فروغ نگاهشان و کلام کریشان سرمایه زندگی من است و در برابر وجود کرامت آن زن نوی ادب بر زمین میفرنم.

اینک شمره‌ی تلاشم را که دقتیست کوچک به این سه فرشته‌ی مهر

استاد گرامی، روح پدرم و مادر عزیزم

تقدیم می‌کنم.

نام خانوادگی دانشجو: تقی زاده

نام: رضا

عنوان پایان نامه: بررسی گزارش اصلاحی در حقوق ایران

استاد راهنما: محمد مولودی

استاد مشاور: بیژن حاجی عزیزی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد رشته: حقوق گرایش: حقوق خصوصی

دانشگاه: بوعلی سینا

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۸/۱۱/۶

تعداد صفحه: ۱۴۳

کلید واژه ها: سازش، صلح در مقام تنازع، گزارش اصلاحی

چکیده:

فصل خصومت و احقاق حق از دیرباز دو دغدغه اساسی دستگاه قضایی بوده است. بنابراین گسترش صلح و سازش که نشأت گرفته از فرهنگ اصیل اسلامی است می تواند در حل و فصل دعاوی به خوبی تأثیر گذار باشد. در این راستا نهاد سازش، از جمله راهکارهایی است که به خوبی می تواند دغدغه دادرس را در این خصوص رفع نماید، چنانکه سوابق فقهی و قانونی موضوع نیز مؤید همین امر می باشد. نهاد سازش که اساساً در جهت حل اختلاف و رفع تنازع تشریح گردیده است، به نظر می رسد با عقد صلح در مقام تنازع مقرر در قانون مدنی در ارتباط تنگاتنگی باشد اما در صورتیکه چنین فرایندی با پوشش قضایی و در نزد دستگاه قضا صورت گیرد، مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی منتهی به صدور گزارش اصلاحی می گردد. صدور گزارش اصلاحی در هر مرحله از مراحل دادرسی امکان پذیر است. با توجه با اینکه گزارش اصلاحی مطابق قانون، از سوی قاضی محکمه و به جانشینی از رأی دادگاه صادر و موجب فصل خصومت می شود بنابراین می توان گفت:

گزارش اصلاحی نمی تواند یک تصمیم اداری یا حسبی باشد بلکه یک تصمیم قضایی است که از آثار مترتب بر آرای قضایی نیز برخوردار می باشد. از جمله اینکه گزارش اصلاحی مشمول قواعد اعتبار امر قضاوت شده و فراغ دادرس بوده و ابلاغ و اجرای آن نیز مطابق قواعد مقرر برای آرای قضایی صورت می گیرد. همچنین گزارش اصلاحی نمی تواند حکم یا قرار باشد بلکه به عنوان یک نهاد ثالث، مستقلاً دارای اعتبار بوده و هم ردیف با آرای قضایی قرار می گیرد. گزارش اصلاحی از یک منظر می تواند در خصوص اختلافات مالی یا غیر مالی و از منظری دیگر در خصوص اختلافات موجود یا محتمل صادر گردد. گزارش اصلاحی قابل واخواهی، تجدیدنظرخواهی، اعاده دادرسی و فرجام خواهی نبوده و تنها می توان اعتراض ثالث را در خصوص آن پذیرفت. در این تحقیق بطور عمده از روش کتابخانه ای استفاده شده اما به تناسب موضوع در مواردی نیز جهت تطبیق نظرات مؤلفین حقوقی با رویه قضایی از آرای قضات هم استفاده گردیده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....

فصل اول: مفهوم و جایگاه فقهی، قانونی نهاد سازش و گزارش اصلاحی

۶	۱-۱- مفهوم سازش و گزارش اصلاحی.....
۶	۱-۱-۱- مفهوم سازش.....
۷	۲-۱-۱- مفهوم گزارش اصلاحی.....
۹	۲-۱- جایگاه فقهی، قانونی نهاد سازش و گزارش اصلاحی.....
۱۰	۱-۲-۱- جایگاه فقهی.....
۱۴	۲-۲-۱- جایگاه قانونی.....

فصل دوم: مبنا، موضوع و ماهیت قضایی گزارش اصلاحی

۳۰	۱-۲- مبنای گزارش اصلاحی.....
۳۶	۲-۲- موضوع گزارش اصلاحی.....
۳۸	۳-۲- ماهیت قضایی گزارش اصلاحی.....
۳۸	۱-۳-۲- ماهیت قضایی گزارش اصلاحی از حیث نوع تصمیم مرجع قضایی.....
۳۹	۲-۳-۱-۱- دیدگاه های ارائه شده.....
۳۹	۲-۳-۱-۱-۱- صدور گزارش اصلاحی یک عمل اداری است.....

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴۱.....	۲-۳-۱-۱-۲- صدور گزارش اصلاحی یک عمل حسبی است.....
۴۳.....	۲-۳-۱-۲- دیدگاه مورد نظر.....
۴۷.....	۲-۳-۲- ماهیت قضایی گزارش اصلاحی به لحاظ شکلی.....
۴۹.....	۲-۳-۱-۲- دیدگاه های ارائه شده.....
۴۹.....	۲-۳-۱-۱-۲- گزارش اصلاحی یک قرار قضایی است.....
۵۱.....	۲-۳-۱-۲-۲- گزارش اصلاحی یک حکم قضایی است.....
۵۸.....	۲-۳-۱-۲-۳- گزارش اصلاحی یک قرارداد قضایی است.....
۶۰.....	۲-۳-۲-۲- دیدگاه مورد نظر.....

فصل سوم: گزارش اصلاحی در مراحل مختلف دادرسی

۶۴.....	۳-۱- مرحله بدوی.....
۶۴.....	۳-۱-۱- گزارش اصلاحی مسبوق به طرح دعوا.....
۶۵.....	۳-۱-۱-۱- گزارش اصلاحی مبتنی بر سازش در دادگاه.....
۶۶.....	۳-۱-۱-۲- گزارش اصلاحی مبتنی بر سازش خارج از دادگاه.....
۶۶.....	۳-۱-۲-۱- سازش در حین اجرای قرار.....
۶۷.....	۳-۱-۲-۱-۱- سازش به موجب سند عادی.....
۷۳.....	۳-۱-۲- گزارش اصلاحی ای که مسبوق به طرح دعوا نیست.....
۷۴.....	۳-۲- مرحله واخواهی.....
۷۵.....	۳-۳- مرحله تجدید نظر خواهی.....

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مرحلهٔ اعادهٔ دادرسی.....	۷۸-۳-۵
مرحلهٔ فرجام خواهی.....	۷۹-۳-۴

فصل چهارم: آثار گزارش اصلاحی

اعتبار امر قضاوت شده و فراغ دادرسی نسبت به گزارش اصلاحی.....	۸۵-۴-۱
اعتبار امر قضاوت شده.....	۸۵-۴-۱-۱
فراغ دادرسی و استثنائات آن.....	۹۷-۴-۱-۲
فراغ دادرسی.....	۹۷-۴-۱-۲-۱
استثنائات فراغ دادرسی.....	۹۸-۴-۱-۲-۲
طرق عادی و فوق العادهٔ شکایت از آراء نسبت به گزارش اصلاحی.....	۹۹-۴-۲
طرق عادی شکایت از آراء.....	۱۰۰-۴-۲-۱
تجدید نظر خواهی.....	۱۰۰-۴-۲-۱-۱
واخواهی.....	۱۰۶-۴-۲-۱-۲
طرق فوق العادهٔ شکایت از آراء.....	۱۰۶-۴-۲-۲
فرجام خواهی.....	۱۰۶-۴-۲-۲-۱
اعادهٔ دادرسی.....	۱۰۹-۴-۲-۲-۲
اعتراض شخص ثالث.....	۱۰۹-۴-۲-۲-۳
اجرای گزارش اصلاحی.....	۱۱۲-۴-۳

۱۱۲.....۱-۳-۴- ابلاغ گزارش اصلاحی.

۱۱۳.....۲-۳-۴- اجرای گزارش اصلاحی.

۱۱۸..... نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۲۷..... منابع و مآخذ.

مقدمه:

یکی از اسباب زوال دعوا، سازش طرفین دعوی با یکدیگر است. به عبارت دیگر، افراد جامعه ممکن است اختلافات فی مابین را با توافق حل کنند و هرگونه که صلاح بدانند، آزادانه شرایط صلح را تعیین کنند. اگر چنین قراردادی خارج از دادگاه منعقد شود تحت حاکمیت اصل لزوم قراردادها قرار می گیرد و میان طرفین وقائم مقام قانونی آنها لازم الاجرا می باشد. اما گاهی اصحاب دعوا برای اینکه به اختلافات خویش پایان دهند (چه در دادگاه و چه خارج از دادگاه) به مصالحه و سازشی روی می آورند که به موجب آن هر یک از طرفین از قسمتی از ادعاهای خود چشم پوشی نموده و از دادگاه درخواست می نمایند، قراردادی را که بر این مبنا منعقد نموده اند را تثبیت نموده و رسمیت بخشد. در این صورت دادرس دادگاه موضوع سازش و شرایط آن را به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعقد و به امضای طرفین و خود رسانده و با اعلام ختم دادرسی اقدام به صدور گزارش اصلاحی می نماید. سازش از دیدگاه قضایی یکی از مراحل قبل از ورود دادرس در رسیدگی و صدور حکم می باشد. بدین صورت که دادگاه طرفین را به حصول یک توافق تشویق می نماید و در صورتی که این توافق حاصل شود با تنظیم گزارش اصلاحی به اختلاف پایان می بخشد. بنابراین گزارش اصلاحی نقش بسیار مطلوبی در ریشه کنی منازعات دارد. در آیین دادرسی مدنی سابق فقط ۷ ماده به موضوع درخواست سازش از دادگاه اختصاص یافته و نحوه اقدام طرفین و تکلیف دادگاه برای نیل به سازش بیان شده بود. به موجب آیین دادرسی مدنی سابق درخواست سازش به دادگاههای بخش اختصاص داشت که شفاهاً نیز قابل درخواست بود لیکن به موجب ماده ۱۸۶ قانون حاضر، درخواست سازش فقط از طریق کتبی میسر است. در آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۶ ماده و یک تبصره چگونگی درخواست سازش را پیش بینی نموده و برخی از ابهامات قانون سابق را رفع نموده است. از جمله، میزان تمبر لازم برای الصاق به «درخواست سازش»، تعیین شده است. به موجب تبصره ماده ۱۹۳: «درخواست سازش با پرداخت هزینه دعوی غیر مالی و بدون تشریفات مطرح و مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت». با توجه به تأثیرات بسیار مثبت و فراوان این نهاد قانونی و با عنایت به اعتماد مردم به

قاضی دادگاه و وجود زمینه های مذهبی و اخلاقی در جامعه، بنظر می رسد سعی و تلاش قضات، وکلا و سایر اشخاص مرتبط با موضوع، در مختومه کردن پرونده ها بویژه پرونده های حقوقی، از طریق صلح و سازش و تنظیم گزارش اصلاحی، در کوتاه کردن فرایند دادرسی بسیار مؤثر باشد. پس باید تلاش کرد تا نظام صلح و سازش به جای نظام ترافی در سیستم قضایی حاکم شود. البته این موضوع با تشکیل شوراهای حل اختلاف قوت بیشتری به خود گرفته است اما از سوی دیگر، تبیین و تشریح مزیت ها و خصوصیات برتر این نظام در مقایسه با نظام ترافی از سوی دانش آموختگان حقوقی نیز مؤثر خواهد بود. هدفی که ما در این تحقیق در پی آن هستیم. بطور خلاصه محاسن تنظیم گزارش اصلاحی را می توان به قرار ذیل دانست:

۱- جلب رضایت اصحاب دعوی در ختم سریع پرونده؛ بدین معنا که حل و فصل دعاوی و مرافعات از طریق رسیدگی قضایی دستوری بوده و در این نوع از حل و فصل ممکن است طرفین دعوی از حکمی که قاضی صادر کرده ناراضی باشند و یا ممکن است حس انتقام جویی و مسائل دیگر در آنها رشد پیدا کند در حالیکه در حل و فصل اختلاف از طریق صلح و سازش و صدور گزارش اصلاحی اینگونه تبعات و آثار سوء از بین خواهد رفت و محبت، گذشت، برادری و آثار اخلاقی و روانی جایگزین خواهد شد.

۲- فصل خصومت و قطع نزاع بطور ریشه ای؛ زیرا اولاً این نهاد این قابلیت را دارد که به طرفین اجازه دهد تمامی اختلافات موجود یا محقق خود را بطور کلی حل و فصل نمایند و در این زمینه هیچ محدودیتی وجود ندارد و ثانیاً اینکه با فصل دعوی از طریق سازش طرفین از طرح مجدد آن بکلی محروم می شوند.

۳- کوتاه کردن چند مرحله ای رسیدگی؛ به این لحاظ که رسیدگی قضایی معمولاً دوماهه ای یا بیشتر است که خود مستلزم تشریفات طولانی دادرسی است، در حالیکه سازش و گزارش اصلاحی مأخوذ به این تشریفات نیستند.

۴- سهولت در اجرای احکام؛ از آنجا که طرفین به توافقاتشان پایبند بوده پس در غالب موارد بدون هیچگونه احتیاجی به پیگیری از طریق اجرای احکام خودشان مفاد تعهدات را اجرا می کنند.

بر این اساس، موضوع «بررسی گزارش اصلاحی در حقوق ایران» را با این دیدگاه آغاز کرده و به پایان بردم، تا با توجه به اینکه چنین نهادی در قوانین متعددی مورد پیش بینی قرار گرفته و در کمتر جایی از آن به شفافیت بحث شده است و همچنین کاربرد عملی آن در دادگاهها، به تبیین و تشریح این نهاد و جایگاه قانونی آن پردازم و با موشکافی دقیق تر، آنچه را که فی الواقع بایستی مورد امعان نظر در مباحث حقوقی قرار گیرد به رشته تحریر درآورم. در آغاز نیز بر این امر واقفم که در زمینه پژوهش، خود پرسشگری بیش نیستم و معلومات و یافته های ذهنی خود را مرهون استادان و محققانی می دانم که یا از محضر آنها کسب فیض کرده و یا از آثار مکتوب آنها بهره برده ام. از این روی، در بررسی موضوع پژوهش، آنچه که بعنوان سؤالات تحقیق شایسته بود مبنای طرح مباحث، پیرامون موضوع گزارش اصلاحی قرار گیرند را می توان بطور عمده در نکات ذیل متجلی نمود:

۱- گزارش اصلاحی چیست و جایگاه آن کجاست؟

۲- مبنا، موضوع و ماهیت (قضایی و شکلی) گزارش اصلاحی چیست؟

۳- روند صدور گزارش اصلاحی در هر یک از مراحل مختلف دادرسی به چه صورت خواهد بود؟

۴- صدور گزارش اصلاحی چه آثاری را در پی دارد؟

از این روی در این نوشتار کوشش شده است تا جایی که اقتضا دارد، مسائل مربوط به گزارش اصلاحی را در چهار فصل به شرح ذیل مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم:

در فصل نخست، مفهوم و جایگاه فقهی، قانونی نهاد سازش و گزارش اصلاحی، در فصل دوم، مبنا، موضوع و ماهیت قضایی گزارش اصلاحی، در فصل سوم، صدور گزارش اصلاحی در هر یک از مراحل مختلف دادرسی، و نهایتاً در فصل چهارم به ذکر آثار مترتب بر گزارش اصلاحی پرداخته ایم.

آنچه که می تواند در این زمینه بعنوان فرضیه های تحقیق نیز مطرح باشند، از قرار ذیل هستند:

- ۱- بنظر می رسد گزارش اصلاحی بعنوان یک تصمیم قضایی غیر از حکم و قرار بوده و از جایگاه مستقلی برخوردار باشد.
 - ۲- بنظر می رسد گزارش اصلاحی بر مبنای سازش انجام شده میان طرفین و در ارتباط با هر موضوعی که صلح نسبت به آن جایز است صادر می شود.
 - ۳- بنظر می رسد صدور گزارش اصلاحی در هر یک از مراحل مختلف دادرسی امکان پذیر است.
 - ۴- بنظر می رسد گزارش اصلاحی از آثار ذکر شده برای احکام برخوردار می باشد.
- یاد آوری می شود، به لحاظ فقر منابعی که به نحو مطلوبی به این موضوع پرداخته باشد و بضاعت اندک علمی بنده، چنین تحقیقی قطعاً، خالی از نقص و عیب نمی باشد، لذا دست همه کسانی که بنده را از نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود، آگاه نمایند را به گرمی می فشارم.

فصل اول:

مفهوم و جایگاه فقهی، قانونی

نهادسازی و گزارش اصلاحی

۱-۱- مفهوم سازش و گزارش اصلاحی:

به منظور بررسی هرچه دقیق تر نهاد سازش و گزارش اصلاحی ضروری است که تعریف لغوی و اصطلاحی هر یک از این دو واژه را بطور جداگانه مطرح نماییم.

۱-۱-۱- مفهوم سازش:

سازش (conciliation) در منابع واژه نگاری فارسی به معنای سازگاری، صلح و آشتی، حسن سلوک و اتفاق و پیوستگی آمده است (معین، ۱۳۷۶: ۱۷۹). از نظر اصطلاحی نیز سازش عبارت است از توافق و تسالم دو طرف دعوی (در دادگاه یا خارج از دادگاه) برای فیصله دادن و پایان دادن به منازعه بین خود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۱۲۰). در اکثر نظام های حقوقی سازش به عنوان یکی از روش های حل و فصل اختلافات و منازعات میان اشخاص به رسمیت شناخته شده است زیرا این نهاد در جهت فصل خصومت و احقاق حق اصحاب دعوی که مطلوب دادرس و نظام قضایی می باشد مؤثرتر از رسیدگی قضایی است. از آنجایی که اصحاب دعوا بیشتر و بهتر به حقوق واقعی خود واقفند، اگر عواملی آنها را به سازش تشویق نماید، صاحب حق از این پیشنهاد استفاده نموده و دعوی نیز به نحو مطلوبی خاتمه خواهد یافت. در ایران نیز سازش به عنوان یکی از اسباب زوال دادرسی در قوانین زیادی به چشم می خورد که آنها را مورد اشاره قرار خواهیم داد. اما آنچه در اینجا لازم به توضیح است، اقسام سازش و تفاوت های هر یک از آنها است. توضیح آنکه «سازش هم می تواند به صورت غیر رسمی و عادی صورت گیرد و هم می تواند با پوشش قضایی انجام شود تا از حمایت های قانونی بیشتری برخوردار گردد. در حالت اول ممکن است نتیجه توافق های طرفین به صورت سازش نامه عادی درج و به امضای طرفین یا وکلای مآذون ایشان برسد لیکن چنین سندی مانند هر سند عادی دیگر در معرض رد و انکار یا حتی ابطال است و به هر حال آثار حکم را ندارد، زیرا فی نفسه لازم الاجراء نیست اما در حالت دوم می توان سازش نامه (deed of compromise) را به صورت گزارش اصلاحی نزد دادگاه ثبت کرد و از آثار مترتب بر حکم استفاده نمود» (مجبی، ۱۳۷۵: ۶). بنابراین فرق مهمی که سازش در

دادگاه با سازش غیر رسمی خارج از دادگاه دارد این است که سازشی که با پوشش قضایی صورت می‌گیرد، در نهایت بصورت گزارش اصلاحی تسجیل و ثبت می‌شود، که آثار یک حکم را نیز در خود دارد (که از جمله مهمترین آنها عبارتند از: لازم‌الاجرا بودن گزارش اصلاحی و صدور اجراییه براساس آن، شمول قواعد اعتبارامر مختوم و فراق دادرس نسبت به آن و ...)، در حالیکه «سازش به طریق غیر رسمی و عرفی حداکثر نوعی اقرار یا تعهد به وصول یا ایصال حق یا تسویه حساب است که لازم‌الاجراء نیز نمی‌باشد. از این روی رعایت غبطه و صلاح اشخاص ایجاب می‌کند که در ختم و فصل دعوا از طریق سازش یا موافقت با سازش در دعوایی که علیه او طرح شده، از پوشش قضایی و قانونی موجود استفاده کنند» (مجبی، ۱۳۷۵: ۷).

۱-۱-۲- مفهوم گزارش اصلاحی:

گزارش اصلاحی، اصطلاحی است که مرکب از دو جزء است:

الف- گزارش (Report): این اصطلاح در معنای لغوی خود، آن گونه که در منابع واژه نگاری فارسی بیان شده است به معنای بیان، اظهار، شرح و تفسیر می‌باشد (معین، ۱۳۷۶: ۳۳۰۳).

اما گزارش در معنای اصطلاحی عبارت است از شرح و بیان واقعه ای با مشخصات ذیل :
الف) موضوع مورد گزارش وقوع حادثه ای باشد.

ب) گزارش دهنده قبلاً مأمور به تهیه گزارش شده و یا سمت او اقتضاء کند که گزارش تهیه کند.

ج) مقامی که به آن گزارش داده می‌شود مقام مافوق باشد، خواه مقام رسمی باشد یا غیر رسمی و فرقی نمی‌کند که گزارش کتبی باشد یا شفاهی (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵۸۳).

در علم حقوق نیز قسمت اول گزارش اصلاحی، از معنای لغوی و اصطلاحی خود دور نیفتاده است و به طور خلاصه اشاره دارد به اخبار از تصمیم دو طرف و حضور و آمادگی آن‌ها برای مذاکرات اصلاحی و تمایل آنان به انعقاد عقد صلح (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۱۷۱).

ب) اصلاحی: واژه اصلاحی به لحاظ دستوری، صفتی است که از ریشه «ص - ل - ح» و از مصدر «اصلاح» اشتقاق یافته و اسم فاعل آن هم می شود مُصلِح یعنی اصلاح کننده و سازش دهنده .

اصلاح، مصدر باب افعال، نقطه مقابل افساد است و در منابع واژه نگاری فارسی (دهخدا و دیگران، ۱۳۷۳: ۲۳۹۱)، (انوشیر، ۱۳۷۶: ۲۹۳) و عربی (ابن منظور) به کوشش علی شیری، (۱۴۰۸: ۳۸۴) به معنای اصلاح دادن، بهبود بخشیدن، نیک کردن، تعمیر کردن، سازش دادن، آشتی دادن، نیکویی کردن، بسامان کردن، آراستن و سامان دادن آمده است و اصلاح دادن نیز به معنای آشتی دادن و سازش دادن می باشد. از لحاظ فقهی واژه اصلاح و دیگر مشتقات ماده صلح از جمله صلاح، مصلح، صالح و صلح نزدیک به ۸۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ۱۳۸۳: ۴۸۵).

در حقوق علاوه بر اصلاح با این معنا، نوع دیگری از اصلاح را نیز داریم که با معنای قسمت دوم گزارش اصلاحی، متمایز بوده و با آن اختلاف بین دارد و آن اصلاح کردن حکم می باشد که به معنای پیرایه کردن، بی غلط کردن و عاری کردن حکم از اشتباه بوده و به آن رأی اصلاحی می گویند. رأی اصلاحی اصولاً در مواردی صادر می شود که دادرس دادگاه در مقام تنظیم و نوشتن رأی اصلی دچار اشتباه شکلی (سهو قلم) شده باشد. مثل این که کلمه ای را کم یا زیاد نوشته یا اینکه نام و مشخصات اصحاب دعوا جابجا و یا اشتباه درج شده باشد و یا اشتباه در شماره مواد و محاسبه جزای نقدی و محاسبه دیه و ... صورت گرفته باشد. در این صورت قوانین مختلف از جمله ماده ۳۰۹ ق.آ.د.م و ماده ۳۲ قانون شوراهای حل اختلاف، به قضات دادگاه ها و شوراهای اجازه داده اند، تا زمانی که از رأی صادره درخواست تجدید نظر نشده باشد رأساً یا به درخواست ذینفع برای رفع اشتباه حکم اصلاحی مجدد صادر نمایند و رأی اصلی به همان صورت اشتباه باقی می ماند و قلم بردن و تصحیح در متن رأی اصلی جایز نمی باشد و سپس رأی اصلاحی با پیوست رأی اصلی به طرفین دعوی ابلاغ می شود.

در بحث از گزارش اصلاحی این معنی از اصلاح منظور نظر نبوده و مراد از آن، اصلاح در همان معنای اول می باشد. در این خصوص یکی از حقوقدانان بیان داشته است که: «قسمت دوم گزارش اصلاحی، به طور صریح عبارت است از عقد صلح که در ماده ۷۵۲ ق.م، دیده می شود و به موجب آن معمولاً

تمام یا قسمتی از دعوی ساقط می شود و ممکن است معوض یا بلاعوض باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۸: ۱۷۱).

مؤلفین و نویسندگان حقوقی از گزارش اصلاحی با نام های مختلفی یاد کرده اند که در واقع بیشتر این تعابیر، برگرفته شده از ماهیت فقهی گزارش اصلاحی یعنی عقد صلح می باشد. از جمله تعابیر یاد شده که می توان به آن اشاره داشت عبارتند از: قرارداد قضایی، قرار مصالحه، صلحنامه، سازشنامه. در فرهنگ حقوقی خارجی نیز از گزارش اصلاحی با عنوان Amended Report یاد شده است (صمیمی کیا و آذر فر، ۱۳۷۷: ۳۰۹).

اکنون پس از تشریح این اصطلاح ترکیبی می توان از نظر حقوقی آن را این گونه تعریف کرد: «گزارش اصلاحی، تصمیمی قضایی است که پس از به سازش رسیدن طرفین و اعلام ختم رسیدگی (ماده ۱۸۴ ق.آ.م)، از سوی دادرس دادگاه بر مبنای سازشنامه صادر شده و به عنوان یک نهاد ثالث، باماهیتی متفاوت از حکم و قرار، از آثار احکام دادگستری برخوردار می باشد».

۱-۲- جایگاه فقهی، قانونی نهاد سازش و گزارش اصلاحی:

در نظام حقوقی اسلام و در حقوق موضوعه ایران، تمایل به کاهش نقش قاضی و تلاش در جهت راه حل های غیر رسمی، در حل و فصل دعاوی، جایگاه ممتازی دارد. این امر با ترغیب متداعیین به حصول توافق و سازش نقش بارزی در حل و فصل اختلافات و جلوگیری از ایجاد و تعمیق کینه ها و دشمنی ها و افزایش همبستگی اجتماعی دارد و همچنین می تواند موجبات رهایی طرفین از تشریفات طولانی و اتلاف هزینه و وقت را فراهم آورد. بنابراین نهاد سازش یکی از تدابیر ارزنده ای است که هم در فقه مورد تأکید جدی قرار گرفته است و هم در قوانین مختلف به عنوان یکی از شیوه های حل و فصل اختلاف پیش بینی گردیده است. از این روی بررسی جایگاه « نهاد سازش »، از هر دو جنبه حائز اهمیت است و ما در بررسی این موضوع لازم می دانیم از هر دو جنبه به آن پردازیم.

۱-۲-۱- جایگاه فقهی:

یکی از امتیازات نظام دادرسی اسلامی، سفارش به برقراری صلح و سازش، قبل از رسیدگی رسمی به دعوا بوده و تنها بعد از ناکامی و عدم توفیق در این امر، کار دادرسی آغاز می شود و قاضی با استفاده از اختیاراتی که دارد، به نزاع پایان می دهد.

در باب سعی و تلاش قاضی در حل و فصل اختلافات طرفین دعوا به سازش دو دسته نظریه در فقه دیده می شود. یک دسته از فقها ترغیب اصحاب دعوا از سوی قاضی را، برای ایجاد صلح و سازش مستحب می شمارند و عده ای دیگر سعی و تلاش قاضی را، در ایجاد صلح و سازش، با تقاضای اسقاط حق یا ابطال دعوی از طرف مدعی حق، مکروه می دانند. ابن ادریس نوشته است: «اگر مدعی به مدعی علیه مهلت دهد، اختیار با اوست اما اگر از مهلت دادن خودداری کرد، حاکم نمی تواند برای مهلت دادن نزد مدعی وساطت کند و او را بدان اشارت نماید اما می تواند آن دو را به صلح و سازش هدایت نماید، به دلیل سخن خداوند متعال که می فرماید: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» و این که انسان می تواند کاری را که «خیر» است انجام دهد (ابن ادریس، بی تا: ۱۶۰).

از این سخن ابن ادریس استنباط می شود که شایسته است قاضی طرفین دعوی را به صلح و سازش ترغیب کند بدون این که به نفع یکی از طرفین دعوی وساطت و دخالت نموده و از طرف دیگر دعوی نیز نخواهد حق خود را ساقط نماید یا مهلت دهد. در مجمع الفائدة والبرهان نیز آمده است: «وَيَسْتَجِبُ تَرْغِيبُ فِي الصُّلْحِ».

فقیهان مسلمان غالباً به این عبارت، در این خصوص توجه کرده اند چرا که صلح خیر است و ترغیب به خیر نیز نیکو است (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۷: ۵۶).

در دانش نامه حقوق خصوصی نیز از قول فقهای مذاهب بیان شده است: «فقیهان مذاهب معتقدند که صلح مندوب و مستحب است و قاضی اگر طرفین را به صلح اشارت کند، اشکالی ندارد اما نمی تواند آنان را بر این کار ناگزیر کند و یا بر آن اصرار ورزد و این در صورتی است که بر او به روشنی معلوم